

جلسه ششم

موضوع: نظریه حب الذات

مدرس: حجت الاسلام سید امید مؤذنی

مقرر: جناب آقای محمدجواد رضازاده

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

نظریه حب الذات

ایده سوسیالیسم سعی کرد که جلوی فردیت و خصوصی سازی را بگیرد، اما آن را صرفاً در حوزه اقتصاد و مالکیت اعمال کرد و مالکیت خصوصی را از بین برد؛ اما دهها وجهه فردیت و خصوصی بودن را پذیرفت. از مدیر کارخانه که با فکر فردی خود مدیریت می‌کند تا انگیزه، اراده، هدف و گرایش خصوصی که در جامعه باقی می‌ماند.

▼ **نقطه اساسی درگیری میان مکاتب بشری، نظریه حب الذات هست.** لیبرالیسم این نقطه را حداکثری و سوسیالیسم این نقطه را حداقلی می‌خواهد محقق کند. در مقابل اسلام هم این نقطه را پذیرفته است اما می‌گوید: باید تمام رشدهای بشریت مبتنی بر این اصل باشد. باید قانون گذاری اسلامی مبتنی بر این حب باشد تا این بحث محقق شود.

گویی ما به سمت نفی خودخواهی و حب الذات رفته ایم، درحالی که اسلام آن را نفی نمی‌کند و آن را رکن اساسی می‌داند. ما بر سر مرزهای خود با غرب دعوا داریم و نه اصل خود! سوسیالیسم انتظار دارد که انسان خود مادی اش را فدای مفهوم انتزاعی جامعه که مادی می‌باشد بکند.

شهید صدر^(ه) می‌فرماید: تا زمانی که جهان الگویی را عوض نکنیم، جهان ارزشی و جهان بینی جامعه عوض نمی‌شود.

مثلاً ما باید بحث حجاب را مبتنی بر خودخواهی و فردیت تعریف کنیم؛ حال سوال اینجاست که آیا ما ناظر به فضای اجتماعی آن را تعریف می‌کنیم یا ناظر به فضای تعبد و ثواب و نگاه اخروی؟

به نظر ایشان در جامعه نمی‌توان بدون اعتقاد به غیب انتظار ایثار و فعل اخلاق و ... داشت؛ زیرا، دیگر انتظار تحقق نمی‌توان داشت.



▼ تمام افعال اخلاقی در نگاه دینی، روش رشد فردی می‌باشد که منفعت برای خود اوست. پس منفعت اجتماعی و فردی در طول هم قرار می‌گیرد.

در نقشه نوآوری نگاه
نهاده‌های آینه

▼ آزادی در غرب از شک به بنیان‌های ثابت رخ داد و آزادی‌خواهی شروع شد. اما در اسلام آزادی از یقین به اینکه فقط خدا حاکم هست شروع می‌شود. این یقین به ما می‌گوید که باید با طاغوت و عوامل مخرب آزادی، مقابله شود. **در فضای غرب آزادی می‌شود حق، اما در فضای اسلامی آزادی می‌شود حق و تکلیف!** در غرب آزادی به معنای آزادی غریزه حب‌الذات و جنبه مادی انسان می‌باشد، اما در اسلام آزادی به معنای حب‌الذات با تفسیر مادی و معنوی می‌باشد.

در غرب می‌گویند آزاد شدم و برو، بدون هیچ مسیر و هدف؛ اما در اسلام آزادی به معنای جدا شدن روح از جسم می‌باشد. رها کردن بچه در خیابان می‌شود آزادی غربی، اما آموزش دادن بچه و بعد رها کردن، آزادی اسلامی هست.

▼ تلاش غرب برای آزادی، نتیجه‌اش اسارت پیچیده انسان و محدود شدن وی به ابزارهای شهوت است. فی‌الواقع هر کس که بهتر بتواند از شهوت خود استفاده کند، آزادتر می‌شود!

اما آزادی در اسلام هم حقی است، که جامعه باید برای فرد فراهم کند و هم تکلیفی است که باید فرد از آزادی خود دفاع کند و در عین حال وظیفه دارد که آزادی دیگران را خدشه‌دار نکند.